قسمت خودم آن ماده که موافق میل آقایان نیست اگر چه صلاح مملکت میدانم پس میگیرم برای اینکه آن مواد دیگرش بگذرد ویك فایدهٔ برای این مملکت داشته باشد والا بنده بآن نظریاتی که دارم شاید ضبط کنم

زیرا ممکن است اشخاصی باشند که دراین کرسی‌ها بنشینند واصلاملت از آنها خبر نداشته‌باشد بازهم التماس والتجا می کنم که ازاین یك ماده‌چشم میپوشم وهمین مواد اصلاح شده بیاید در مجلس وآقایان هم نظریات خودشان‌را بگویند وآن ماده که موافق میل بعضی‌از آقایان نیست بنده بااینکه صلاح و لازم میدانم پس می گیرم ولی اگر آقایان صلاح نمیدانند اهمیت ندارد بنده بقسمت خودم پس میگیرم ولی آن ده دوازده مواددیگر که اهمیت دارد نگذارید فدای این‌یك ماده‌شوم بیاوریددر مجلس مذاکرات بشود اگر ماخبط کردیم آنها را رد کنند واگر خبط نشده زودتر تکلیفش معلوم شودلذا برای اینکه اینماده باعث تعویق سایر مواد نشود لهذا این پیشنهادرا کردم که اگر آقایان صلاح می دانند آن مواد اصلاح شده باستثنای آن ماده خبیثه باقی آن بمجلس بیایدوآقایان دراو نظر کنند تا مملکت از این قانون انتخاباتی‌را که‌دراین مدت‌معایبش‌رادیده‌ایم اصلاح شود

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای شیخ‌الرئیس

(اجازه)

شیخ‌الرئیس - عرض میکنم اگر آقای‌مدرس متأثر ودلتنك شده‌اندمیخواهند امضای خودشان را پس‌بگیرند خودشان‌می دانند ولی ماچهل و یکنفر دیگر که امضاء کرده‌ایم مادر امضای خودمان‌حاضریم و اگرهم موافقت نفرمایند راه دیگری‌برای مابازهست یکمرتبه دیگر هم بنوبت‌عرایض خودمان‌را عرض میکنیم اگرهم قبول نشد رفراندم ومراجعه بملت‌هست ازخودشان و سایر جاهای دیگر نوشته‌اند که ماطرفدار قانون‌تازه‌ایم ما ورفقاحاضریم اگردرمجلس ممکن نشود مثل آن سفر درتلگراف‌خانه برویم وبملت مراجعه کنیم اگر آن‌قانون انتخابات سابق را خواستند آن را واگر قانون انتخابات تازه را خواستندماتصدیق می کنیم

پس هروقت یك قانونی پیشنهاد شود واکثریت مخالف آن قانون باشد برای اقلیت یك راهی‌باز است‌وآن مراجعه‌بملت است پس استدعا دارم که آقای مدرس پیشنهاد خودشانرا مسترد دارند و یکروز دیگر وقت مجلس را برای همین مطلب منحصر کنیم وبه‌بینیم تکلیف‌ما باموکلین خودمان‌چه خواهدبود

لسان‌الملك - معلوم می شودآقای شیخ الرئیس از طرف تمام ملت حق دارند .

(جمعی ازنمایندگان) (البته صحیح است ازطرف تمام‌ملت‌حق‌دارند)

مدرس - حالا که‌تقاضا میکنندبنده پیشنهادخودم رایس میگیرم

رئیس - کدام پیشنهاد را پس گرفتید .

مدرس - همین پیشنهادی که الان مطرح بود

رئیس - آقای آصف الممالك

(اجازه)

آصف الممالك - پیشنهادیرا که آقای مدرس‌فرمودند عملی‌نمیشود

عده‌ای ازنمایندگان - پیشنهادشان را مسترد داشتند

آصف‌الممالك - مقصود بنده این است که این قانون باسایر قوانین هیچ‌فرقی ندارد البته هرقانونی که بمجلس می آیدعدهٔ باآن قانون مخالفند وعدهٔ موافق آقایانی که مخالف هستند پیشنهادات خودشان را میکنند و پیشنهاد آنها بکمیسیون مراجعه میشود ودر کمیسیون هم ممکن است‌حاضر شده نظریات خودشان را اظهار کنندبلکه اعضاء کمیسیون‌هم‌بانظر آنها موافقت کنند واین هیچ اشکال‌ندارد من‌نمیدانم چرااصلا آقایان میل ندارند وارد مذاکره در آن بشوند درصورتیکه‌ممکن است پس‌ازداخل شدن در مذاکره‌پیشنهادهای بهتری‌بکنند ومراجعه بکمیسیون‌بشود و کمیسیون‌تصمیمی اتخاذ کند که موافق نظرهمه باشد و بنده هیچ مانعی نمی‌بینم که جزء دستور گذارده شود ووارد درشورآن بشویم مگر اینکه آقایان اصلا میل‌نداشته باشند که اینقانون جزء دستور بیاید

رئیس - خطاب بآقای مدرس آن پیشنهاد را پس گرفتید یاآن مطلبی را که آقای محمد هاشم‌میرزا اظهار داشتند

مدرس - عجالتاً این‌پیشنهاد رایس گرفتم اگر مجدداً لازم شدپیشنهادمیکنم

مجلس نیمساعت بعد ازظهر ختم‌شد

رئیس‌مجلس-مؤتمن‌الملك

جلسه‌دویست‌وبیست
صورت مشروح مجلس
یوم‌یکشنبه پانزدهم‌برج
دلو ۱۳۰۱ برابر هفدهم
جمادی‌الثانیه ۱۳۴۱

مجلس دوساعت‌نیم قبل ازظهر بریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید

صورتمجلس یوم‌شنبه ۱۴ دلورا آقای امیرناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای حاج میرزا عبد - الوهاب .

(اجازه)

حاج‌میرزاعبدالوهاب - درصورت مجلس عرضی‌ندارم

رئیس - آقای‌شیخ‌الاسلام‌اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام - جلسهٔ گذشته سه فقره پیشنهاد در باب قانون انتخابات داده شده یکی ازطرف بنده و یکی از طرف آقای ملك‌الشعراء ودیگری ازطرف‌آقای مدرس درپیشنهاد بنده فقط نوشته‌شده‌است که فلانکس پیشنهاد داد درپیشنهاد آقای ملك‌الشعراء نوشته شده که ایشان پیشنهاد و توضیح دادند در پیشنهاد آقای مدرس نوشته‌اند که پیشنهاد دادند و تمام بیانات ایشانرا هم نوشته‌اند خوب است‌هرسه‌رایك قسم بنویسند هرسه پیشنهاد وتوضیح دادند یابنویسند هرسه پیشنهاد دادند بنده‌نمیدانم این اختلاف‌برای چیست

رئیس - دیگر ایرادی‌نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - عریضهٔ از طرف اتحادیه تجار همدان رسیده کمیسیون عرایض‌صلاح دانسته است که درمجلس قرائت‌شود

(آقای امیرناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

درتعقیب پیشنهادات نمره ۱۲۰ مورخه ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۰ و نمره ۱۶۵۰ دوازدهم صیام ۴۰ که به مجلس شورای ملی وهیئت وزراء عظام تقدیم گردیده

(مقام منیع مقدس‌مجلس شورای ملی وهیئت وزراء عظام دامت شوکتهم)

چنانچه‌تجدید نظری‌بعرایض‌اینجانبان که در ضمن لوایح فوق الذکر تقدیم گردیده بشود تصدیق خواهند فرمود که بحران اقتصادی و دخالت اوضای تجارت کنونی از یکسال قبل پیش بینی شده بود بالاخره بمرور زمان برشدت وسختی خود افزود و امروز عدم توانائی تحمل آن در تمام طبقات محسوس وعموما بیچاره‌شده‌اند تصمیم دولت درمنع خروج طلا ونقره که از دوسال قبل شروع گردیده واخیرابوسیله قانون مستحکم شده از اقدامات منفعت - بخش محسوب میشود وما بنوبه خود افتخار داریم که عملا از آن تقویت نمائیم ولی تصدیق میفرمائید که قبل‌از تعدیل‌صادرات وواردات مملکتی خروج طلا ونقره‌بامضرات فاحش آن یك مسئله اضطراری است و اشخاصیکه بمنافع مملکت ما علاقه‌مند نیستند سعی‌خواهند نمود که‌آخرین‌دینارات هم خرج خارج شود چنانکه در گذشته مشاهده نمودیم که قرانهای ایران همه‌روزه در بازار بغداد وبمبئی خرید وفروش میشد در سابق به عرض رسانیدیم که مطابق احصائیه رسمی گمرکات در ظرف دو سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ هرسالی تقریبا ۷۸ کرور تومان کسر صادرات‌مملکتی‌داشته‌ایم چون هیچ چیز مجانی به مملکت ما وارد نشده وتجار برای تأدیه قروض خود ناچار از خرید حوالجات خارجه بودند بنابراین درظرف دوسال مزبور تقریبا صدوپنجاه و شش کرور تومان از مبالغ نقدی مادرعوض مازاد واردات بخارجه پرداخته شده‌باتوجه بحقایق مزبوره یقیناً تصدیق خواهیدفرمود که آخرین علاج در رفع این پریشانی همان تعدیل صادرات و واردات مملکتی است .

قضیه دیگری که هرصاحب حسی را متأثر ومتالم میسازد اینستکه سیل‌بنیان کن اجناس و امتعه خارجه متدرجا هزاران خانواده صنعتگر ایرانی مضمحل و معدوم نمود این اشخاص باغیرت که سالهای‌متمادی با صبر و بردباری مشغول خدمت بجامعه بوده اند و قسمت عمده احتیاجات داخلی از دسترنج آنان فراهم میشده بالاخره تا اندازهٔ که ممکن بود مقاومت کردند ولی چون تشکیلات مملکتی از آنها حمایت نکرد متدرجا از بین رفته ومیروند وعلائم این انحطاط وبدبختی در شهرهای صنعتی ما ازقبیل کرمان واصفهان وکاشان و یزد وغیره موجود برای اثبات مدعی‌کافی است چنانچه چندی دیگر وقت بمسامحه بگذرد همین یك علت یعنی غلبه فاحش واردات برصادرات کافی است که مملکت ما را به یك گداخانهٔ وسیع تبدیل نماید و آنوقت شاید همگی درچاره وعلاج درمانیم بنابر- مقدمات مزبوره ماتجار که همه روزه تنزل وانحطاط مزد صنعتگران داخله رامشاهده می‌نمائیم ازمدتها قبل درصدد تحصیل‌علاج برآمدیم وپس از مطالعات زیاد این قسم فهمیدیم که از همان راههائیکه این‌سختیها پیش آمده ناچار باید از همان راهها جلوگیری نمود بدین معنی که از ورود اجناس وامتعهٔ خارجه آنقدر بکاهیم که با صادرات تعادلی ایجاد شود وصول باین مقصود ممکن است طرق مختلفه داشته باشد وما فعلا این طریقه را پیشنهاد می- نمائیم که دولت بموجب قانون کلیه اشیاء تجملی وتفننی و مواد غیر ضروری را از ورود بایران منع نماید پس ازآن درزمان کمی تفتیش دقیقی در کلیه مصنوعات و منسوجات وطنی که با اندك مساعدت و تغییری نتواند مورد استفاده واقع‌شودبعمل آورد بعد بموجب قانون مواد نظایر آنها را هم از ورود بایران منع نماید ماتردید نداریم در اینکه مجلس شورای ملی و هیئت محترم دولت بخوبی حس نموده اند اصلاح این امر خیلی بتأخیر افتاده و آخرین ساعات انتظار نیز گذشته است بنابراین واجب است هرچه زودتر شروع بعملیات فرموده وعامه را ازنظریات‌خودتان آگاه فرمائید

اتحادیه تجارهمدان تقی

رئیس- آقای حاج میرزاعبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- عرض بنده این بود که مقرر فرمائید این عریضه را بخوانند که اجازه فرمودید خواندند ولی مقصود بنده این بود که مدتها است یعنی

از موقعیکه بنده آمده ام طهران مسئله اشیاء تجملی یکماه یکمرتبه دوماه یکمرتبه درمجلس مذاکره میشود وبعد میرود آنجا که عرب نی انداخت یا میاندازد و ابدا ترتیب اثری بآن داده نمی‌شود استدعا میکنم یك جواب کافی و وافی از طرف مجلس به تجار همدان داده شود که هم آنها تکلیف خودشان را بدانند وهم مردم بدانند چه باید بکنند وازورود این‌اشیاء بیهوده‌جلوگیری شود

رئیس- آقای سردارمفخم

(اجازه)

سردار مفخم- در خصوص اشیاء تجملی همانطور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند مکرر در این مجلس مذاکره شده و کمیسیون فوائدعامه هم در این خصوص اقدامات لازمه نموده بنده هم یکی دومرتبه در مجلس عرض کردم که بایستی دولت‌نظریات خودش رابکمیسیون بفرستد تا کمیسیون بتواندیك‌راپرتی‌صحیح به عرض مجلس برساند در این اواخروزیر فوائد عامه در همین‌مجلس اظهار کردند که ما مشغول هستیم وعنقریب راپورت‌منع ورود اشیاء تجملی را بکمیسیون‌فوائدعامه میفرستیم تا ازطرف کمیسیون فوائدعامه‌هم مطالعات لازمه شده ونظریات خودراضمیمه لایحه دولت نموده به عرض مجلس برساند بعد از آنکه‌ازطرف کمیسیون مکررمطالبه این راپرت شد درچند روزقبل یك کاغذی ازطرف دکتر میلسپو رئیس کل مالیه به وزارت مالیه نوشته شده‌بود وازطرف‌دولت هم شرحی بکمیسیون نوشته و کاغذ رئیس مالیه را هم ضمیمه نموده وبکمیسیون‌فوائد عامه فرستاده‌اند دراین کاغذ مینویسد چون این مطلب خیلی مهمی است و نمیشود به خوبی وسهل وآسانی یك رائی داد وباید یك نظریات عمیقی در این کار نمود بنابر- این من مشغولم که یك کمیسیونی تشکیل داده تا در این خصوص رسیدگی ودقت کامل بشود بعد از آنکه دقت‌های کامل در اطراف این امر بعمل آمدراپرت آن را توسط کمیسیون فوائد عامه بعرض مجلس خواهم رسانید کمیسیون هم منتظراست که آن راپرت ازطرف رئیس کل‌مالیه برسد ونظریات خودش را هم ضمیمه‌نموده بعرض مجلس برساند ودر مسئله ملبوس وطنی هم شور دوم آن در کمیسیون تمام‌شده‌وراپرت آن امروز توسط کمیسیون بعرض مجلس خواهد رسید

رئیس- آقای سهام‌السلطان

(اجازه)

سهام‌السلطان — گمان میکنم همانطور که شاهزاده اظهار نمودند باید منتظر نتیجه واقدامات دولت شد ولی باید تأکید بشود که از طرف دولت‌این‌راپرت ونتیجه زودتر بعرض مجلس برسد و این مسئله‌مهم بموقع اجرا گذاشته شود

رئیس-آقای رئیس‌التجار

(اجازه)

رئیس‌التجار-بنده‌علاوه برشرحی که شاهزاده فرمودند سؤالی‌هم‌ازوزارت فوائد عامه کرده بودم حتی به آن جوابی هم‌که بکمیسیون فرستادند قانع نشدم و رسماً سؤال کردم که در مجلس‌جواب‌بدهند ودرجواب سؤال بنده گفتند که دکترمیلسپو یك ماه برای مطالعه این کار وقت خواسته است بنابراین بنده هم منتظرنتیجه آن هستم

رئیس- مذاکرات کافی‌نیست؟

جمعی از نمایندگان- کافی است .

رئیس - راپرت کمیسیون بودجه راجع باضافه حقوق مهندس بلدی مطرح است .

(آقای امیر ناصرراپرت مزبور را بمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

کمیسیون‌بودجه لایحه۱۱۰۹۶ دولت را تحت‌مطالعه ودقت‌درآورده ومادەواحده ذیل‌را تصدیق‌وبرای تصویب‌بمجلس‌شورای ملی‌پیشنهادمینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی به دولت اختیار می‌دهد که‌مبلغ یك‌هزاردولار بمیزان حقوق یك نفر مهندس بلدی که در ضمن ماده دوم قانون مورخه ۲۴میزان‌سنه ۱۳۰۱شمسی‌چهار هزاردولار منظور شده اضافه نمایند

(مخبر کمیسیون بودجه فیروز)

رئیس- مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس- رأی میگیریم آقایانی که تصویب‌میکنند ورقه‌سفیدخواهند داد

(اخذ آراء بعمل آمده‌آقایان امیرناصر ومستشارالسلطنه‌استخراج نموده بترتیب ذیل‌نتیجه حاصل‌شد)

ورقه سفیدعلامت قبول ۵۸

رئیس- عده حضار هشتاد نفر به اکثریت (۵۸) رأی تصویب‌شد

قانون شورای دولتی از ماده اول مطرح است

(ماده‌اول‌بشرح ذیل‌قرائت شد)

ماده اول- شورای دولتی‌مرکب است از هیجده نفر مشاوردائم ودوازده‌نفرمشاور فوق‌العاده مشاورین فوق العاده حق رأی داشته و با مشاورین دائم در رأی یکسان خواهندبود مگردر شعبه تظلمات که رأی آنهافقط مشورتی‌خواهد بود

رئیس - آقا سیدیعقوب

(اجازه)

آقا سیدیعقوب - بنده با قانون شورای دولتی‌مخالف هستم وچون درماده اول هم می شود در کلیات مذاکره کرد لذا ادله دارم که‌بعرض مجلس‌میرسانم

وقتیکه دروظایف‌شورای دولتی‌وارد می‌شویم می‌بینیم سه وظیفه برای او معین کرده‌اند یکی‌تنظیم وتنقیح وترتیب‌قوانین دیگری شعبه امتیازات و امور اداری است دیگری مرجع تظلمات از مأمورین و نمایندگان دولت است‌این سه‌وظیفه‌رابرای شورای دولتی معین کرده‌اند قبلا عرض می کنم احتیاج‌ما بوضع قوانین ازدوجهت است یا ازنقطهٔ نظراحتیاج است‌یا ازنقطهٔ نظرتطبیق با قانون اساسی‌ومطابق قسمی که‌خورده‌ایم که‌بایدتمام مواد قانون اساسی اجرا شود وقانون اساسی‌هم مارا مجبور و ملزم کرده است که در تحت همان قانون اساسی ادارات خودمانرا تشکیل بدهیم این سه تکلیفی را که‌برای شورای دولتی معین کرده‌اند درقانون اساسی‌برای مجلس معین کرده و ما میخواهیم یك دارالعجزهٔ دیگرتشکیل بدهیم در قانون اساسی‌جا و محل این سه‌شعبه را هم معین نموده است ودیگرچه‌احتیاج داریم یك ادارهٔ دیگری تشکیل بدهیم ؟

درتحت آن اداره یك اشخاص‌دیگری را متنعم بکنیم و مواجب بدهیم ؟ بغیر از خرج بیهوده فائده هم ندارد اگرراجع بمسئله‌قوانین است که‌قوانین بتوسط وزراء وارد مجلس می‌شود و مجلس هم کمسیون دارد می‌فرستدبکمیسیون ودر کمیسیون‌یك شوردرآن قانون می‌شود بعد بمجلس می- آید ودرمجلس شور اولش می‌شوددومرتبه بر میگردد بکمیسیون و مطابق نظریات مجلس مجدداً اصلاح می‌شود بازبرمیگردد بمجلس و شور دوم آن می‌شود وبقدری قانون در کمیسیون زیرورو وحلاجی‌میشود که‌لازم نیست یك شورای دولتی‌ده بیست نفری هم تشکیل بدهندبآنجام‌راجعه کنندو وزراهم‌محض‌تصریح‌یك‌سیگار بکشندبگویند بروبشعبهٔ‌قوانین‌وابدآتشکیل‌این‌شورالازم‌نیست وبرای اینکه مجلس برای هر وزارتخانهٔ یك کمیسیون مخصوصی معین کرده و هر لایحه وقانونی که‌ازطرف هر وزارت خانه می‌آید مجلس بکمیسیون مربوطه همان وزارتخانه رجوع می کند و فلسفه معین کردن هفت کمیسیون برای وزارت خانها از نقطهٔ نظر عدم احتیاج بشورای دولتی است و دیگر لازم نیست یك شعبه علیحده برای ترتیب وتنظیم قوانین تشکیل بدهند وخود مجلس کافی است اگرهم میگویند وزیریك لایحهٔ را که می‌نویسد ومی‌خواهد بمجلس‌پیشنهاد کند اول برود درآن شعبه که‌عبارت آن را درست بکند . لازم نیست عبارتش‌غلط هم باشدمی آیدبمجلس بعد که رفت بکمیسیون خود کمیسیون اصلاح و بمجلس تقدیم میکند پس از این یك چیز تازهٔ نیست که بگوئیم مثل معارف ومثل قوای‌تأمینیه‌ومثل‌عدلیه‌محتاج‌الیه مردم‌است .

خیرملت‌ایران امروزفوق‌العاده‌محتاج بقوای تأمینیه‌است وما هنوزهیچ چیزی را مرتب نکرده فکر می کنیم ببینیم درممالك متمدنه‌پس ازآنکه‌تمام کارهایشان‌را مرتب کرده‌اندیك (کن‌سیدتا) هم برای تفریح معین کرده‌اندما هم تشکیل‌شورای دولتی بدهیم والا در کجای قانون اساسی نوشته است که شورای دولتی‌باید تشکیل شود . دراصل ۳۳ قانون اساسی نوشته قوانین جدیده که‌محل حاجت باشد در وزارتخانها مسئول انشاء وتنقیح باشند بتوسط وزراء مسئول‌یااز طرف‌صدراعظم بمجلس‌شورای ملی ارسال خواهد شد و پس‌از تصویب - مجلس بصحه همایونی موشح گشته وبموقع اجرا گذاشته‌میشود . . . آقای تدین‌بخندید توجه بفرمائید و مطابق قانون جواب مرا بدهید دراینجا هیچ نگفته است که برود بشورای دولتی‌واز آنجا بشعبه‌قوانین مراجعه شده پس‌از آن بمجلس‌شورای‌ملی بیاید پس باید وزارت خانها مطابق این اصل مقدس قانون‌اساسی‌لوایح وقوانین‌را بمجلس شورای ملی تقدیم دارند واماشعبه تظلمات تکلیف آنراهم‌قانون اساسی‌معین نموده است اصل ۳۲ میفرماید هر کس‌از افرادناس میتواندعرضحال یا ایرادات یا شکایات‌خودرا کتباًبدفترخانه عرایض‌مجلس عرضه بداردا گر مطلب راجع‌بخودمجلس باشد جواب‌کافی باو خواهدداد و چنانچه مطلب‌راجع بیکی‌ازوزارت خانهااست‌بدان وزارت خانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند وجواب مکفی را بدهند معذلك - مجلس آمده‌است‌و کمیسیون عرایض ترتیب داده وعدلیه راهم مرتب کرده است واگر عرایض حقوقی هم بمجلس بیاید تمام به - عدلیه میرود وبجای خودش احقاق حق مردم میشود پس این شعبه تظلمات برای چیست‌وبعلاوه هروزارت خانه‌هم یك‌قانونی دارد که درتحت آن‌قانون مسئول است و حافظ آن قوانین هم مجلس شورای‌ملی است ومجلس شورای ملی بایدتعقیب کند پس‌وجودشعبه‌تظلمات‌هم‌لازم‌نیست آمدیم‌سر شعبه‌امتیازات‌وامور اداری‌هرماه‌یکمرتبه‌یك ورقه میآید به‌مجلس‌ومینویسد کمیته‌امتیازات در وزارت‌فوائد عامه تشکیل وفلان‌وفلان شده پس بابودن کمیته امتیازات دیگر فائدهٔ آن شعبه مخصوص درشورای دولتی چیست ؟

خلاصه هرچه بنده مطالعه کردم تا بدانم این وظایفی را که برای شورای دولتی معین کرده‌اند فائدهٔ دارد یانه‌دیدم تمام این وظایف را قانون مقدس اساسی پیش بینی نموده است بنابراین وجود شورای دولتی لازم نیست و این مملکتی که هیچ سرودست‌ویاندارد وهیچ چیزش مرتب نشده است ماسخت چسبیده‌ایم به شورای دولتی وفردا هم یك‌بودجه‌سنگین به مجلس پیشنهاد وبر مالیه مملکت‌تحمیل میشود درصورتیکه وجود شورای دولتی امروز غیرلازم وغیرضروریست و امروز ما باید تمام هم خودمان‌راصرف‌بسط‌معارف وبسط فلاحت وبسط قوای تأمینیه بکنیم که برای ملت ایران امروزه فوق العاده

لازم است اینها را تمام گذاشته‌ایم زمین‌و چسبیده‌ایم بشورای دولتی چون در فلان مملکت پس‌ازوضع قوانین وبسط‌تمدن‌همچو مجلسی هم تشکیل داده‌اند اما که هنوزبه آن درجه نرسیده‌ایم وهنوزکارهای مهم تراز اوداریم و امروز شورای‌دولتی برای مملکت ما امری است‌غیرلازم وماهم‌محتاج نیستیم که وقت خودمان رادر یك چیزغیر لازمی صرف کنیم که‌نه قانون اساسی‌مارا مجبور کرده است ونه احتیاجات مملکتی که‌حالا بیائیم یك شورای دولتی تشکیل بدهیم بعدهم یك بودجه سنگینی‌بدوش‌این ملت تحمیل کنیم .

رئیس - آقای آقا سیدفاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - من خیلی کراهت داشتم در موقعیکه آقای آقا سیدیعقوب‌با این قانون‌مخالف هستند بنده‌اظهارموافقت کنم ولی چون تابحال من موافق بوده‌ام البته آقایان مرا معذورخواهندداشت

دلایلی که برای موافقت خودم دارم بعرضشان برسانم بنده عقیده‌ام این‌است که باید کم کم دراین مملکت‌ادارات‌ودوائر مرتب وازیك دیگر جداباشند ووظائف‌هر جائی بهمان محل‌خودش رجوع شودو کار ها مرتب ومنظم‌باشد تااینکه‌ازخلط‌ادارات دریك دیگر واز این‌وضعیت کنونی که‌بسته بهمین مطلب است جلوگیری بشود آن مسئله‌هم که راجع باصل سی‌وسیم آقای آقا سیدیعقوب فرمودندآن اصل از این مطلب وازتشکیل شورای دولتی‌نهی‌نمیکند بلی همین‌قدردارد که:

قوانین جدیدهٔ که محل‌حاجت باشددر وزارت خانهای مسؤل انشاءتنقیح یافته به توسط وزراء مسؤل یاازطرف صدر اعظم بمجلس شورای ملی اظهارخواهدشد

حالا این‌شورای‌دولتی زمینه‌آن‌طرح ولایحه را تهیه میکند یعنی هیئتی که‌خبیرو بصیر ومطلعند می‌نشینند وآن راجرح و تعدیل نموده تنظیم تنقیح میکنند و یك قانونهای عملی که موافق احتیاج مملکت باشد تهیه و بتوسط وزراء مسؤل یا صدر اعظم بمجلس پیشنهاد و تقدیم مینمایند و عقیدهٔ من‌این است که‌باید این مملکت کم کم به مراقبت و مساعدت نمایندگان‌ملت امور خودرا مرتب نماید .

این شورای دولتی رااز همه جهت‌ما محتاجیم بواسطه اینکه علاوه برشعبه تنقیح قوانین

وشعبهٔ امتیازات و شعبهٔ تظلمات یك شعبهٔ اختلافات‌هم دارد که اگر اختلافاتی بین ادارات تولید شود هیئتی از اعضاء همان شعبه ترکیب می‌شود و رفع اختلافات را می‌نماید .

بنده اینراخیلی‌لازم‌می‌دانم وبیودجه‌هم که‌برای اینکار معین کرده اند درقبال وظائفی که از برای آن نوشته‌اند چندان اهمیت نمی‌دهم ولی برای‌اینکه هم‌نظریات آقای آقاسید یعقوب راجع بقلت مالیه ملحوظ وهم‌نظر موافقین رعایت شده باشد بنده این‌عده‌را زیاد می‌دانم که هیجده نفر عضو دائم و دوازده نفر مشاور فوق‌العاده معین‌شود .

اگرچه این‌دوازده نفر مشاور فوق- العاده درسایر ادارات مستخدم خواهندبود وازهمان اداره متبوعه خودشان‌حقوق می- گیرند ودرشعبهٔ تظلمات‌هم نمی‌توانند رأی بدهند ودراین شعبه رأی‌مشورتی و درسایر شعب‌رأی‌قطعی‌خواهندداشت . معهذاعقیدهٔ بنده این‌است که اعضاء دائم را دوازده نفر ومشاورین فوق العاده را شش‌نفر که رویهمرفته هیجده‌نفر باشد معین کنند که همین‌قدر نمونه ازسایر مؤسسات نقاط دنیا داشته باشیم بلکه بتوانیم بنحوی از عهده آن‌برآئیم واگرآقای آقاسیدیعقوب‌توجه بفرمایند یکی ازوظایفی که برای شورای دولتی‌معین‌شده خیلی‌مهم‌است‌وآن‌رسیدگی به‌تظلمات مردم ازمأمورین دولتی است‌که بدین وسیله حقوق‌مردم تأمین‌شود زیرا که دراین مملکت تابحال محکمه صالحی که رسیدگی به‌تظلمات مردم از مأمورین و نمایندگان ومستخدمین دولت بکنند نبوده وخاطر میارکتان مسبوق است که‌ازکثرت میل باینکه می‌خواستم جائی باشد که رسیدگی‌باینکار بشودبنده وخیلی‌ازآقایان اصرار داشتیم که این مسئله‌را در قانون استخدام بگذرانیم‌ومعلوم‌شد قانون‌استخدام جای رسیدگی به‌تظلمات‌مردم ازمستخدمین نیست بنابراین عقیدهٔ بنده این‌است‌بهترین فائدهٔ که برشورای دولتی مرتب‌است مسئله رسیدگی به تظلمات مردم از مأمورین و مستخدمین دولت است چون‌بنده که تابحال هیچ جائیرا سراغ‌ندارم تعیین شده‌باشد که مردم تظلمات خودرا ازمأمورین‌ومستخدمین وحکام وولات ووزراء بآنجااظهار کنند و بالاخره برای‌اینکه دعاوی اقصی‌بلادایران یادرخود مرکز ازمأمور مالیه یا حکومت شکایت بکند تابحال جای‌صالح نداشته‌ایم وهرجائی هم که شکایت رفته است ترتیب اثری برآن‌داده نشده . بلی‌بموجب قانون اساسی ممکن است تظلم را به کمسیون عرایض بدهند وبعقیده بنده آقای آقاسید یعنوب‌هم مایلند کمسیون عرایض مستحکم ومنظم‌تر بشود تابتواند وظائفش‌را بخوبی انجام دهد ولی آیاآقایان ازاین کمسیون تابحال اثرنافعی‌دیده‌اند ؟

بنده که کمتر دیده‌ام و درهمین‌مورد به‌مناسبت عرض میکنم هیجده ماه بلکه دوسالست که نظامیان کاروانسرائی را که تاجری درشاهرود ساخته تصرف کرده و منزل نموده‌اند هرچه آن بیچاره تاجر می‌گوید مال‌الاجاره بمن بدهید نمی دهند می‌گوید خالی کنید نمیکنند می گوید کاروانسرا روبخرابیست‌پول‌بدهیدتاتعمیرش کنیم بخرج نمیرود هرچه‌هم بتوسط بنده بکمسیون‌عرایض نوشته باوجوابی‌داده‌نشده حالا ازآقایان سؤال می کنم آیاباید جائی باشد که به‌تظلمات مردم ازمأمورین‌دولت و ادارات ومستخدمین دولتی رسیدگی شود یانه ؟

درحقیقت اساس زندگی مردم باید تأمین‌شود وبااین وضعیت بنده ابداً گمان نمی کنم مردم دررفاه باشند . بالاخره‌بااین مقدمات بنده کمال موافقت را باتأسیس و تشکیل شورای دولتی‌دارم ولی‌اگرآقایان موافقت بفرمایند بنده‌عقیده دارم که‌مشاور دائم‌را دوازده نفر قرار بدهیم و مشاور فوق‌العاده را شش‌نفر که عجالتاً مسمائی بعمل آمده‌باشد .

(خنده بین‌نمایندگان)

آقاسیدفاضل- بلی مسمای‌شورای دولتی - مسمی اصلاح علمی است . باین معنی که یك مصداق خارجی پیدا کرده باشد وماهم مثل سایردول یك‌شورای‌دولتی داشته باشیم وانشاءالله بعداز اینکه دیدیم خوب کار کردند عده‌اش‌را زیادترمیکنیم . واگر اوضاع مملکت خوب شد و عایدات افزایش یافت بودجه‌اش راهم‌زیادمی کنیم. بنده حالا کمال‌موافقت‌را دارم وبودجه‌اش راهم چندان اهمیت نمی‌دهم وبازهم عرض میکنم اگر آقایان موافق باشند کلیه‌عده را هیجده نفر بکنیم بهتر است یك عقیده دیگرهم داشتم که فعلا می بینم چندان اهمیت‌ندارد .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج‌میرزاعلی محمد دولت آبادی - بنده فقط راجع بعدهٔ آقایان عرض داشتم که‌آقای آقاسیدفاضل‌هم‌بیان کردند ولی نسبت بدوازده‌نفر عضو دائم‌و شش‌نفر عضو فوق‌العاده که آقا فرمودند بنده عرض می کنم خوب است‌اعضاءدائمی آن پانزده نفرباشد واعضاء موقتی‌وغیردائم هفت‌نفر که ازهر وزارت خانه‌یکنفرعضویت داشته باشدوالامطلب دیگری‌نداشتم

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است) .

رئیس - پیشنهادها خوانده میشود

(بترتیب ذیل قرائت شد)

۱ - بنده پیشنهاد میکنم مشاوردائم نه‌نفر و مشاور فوق العاده شش نفر معین شود .

شیخ الاسلام اصفهانی

۲ - بنده پیشنهاد میکنم که‌ماده اول بترتیب‌ذیل نوشته‌شود

ماده‌اول - شورای دولتی‌مرکب‌است ازدوازده نفر مشاوردائم وهشت نفر مشاور فوق‌العاده الی‌آخر .

محمد دانش

(ماده‌دوم اینطور مطرح‌شد)

مادهٔ دوم - رئیس کل ورؤسای شعب شورای دولتی از مشاورین دائم انتخاب میشوند .

رئیس - مخالفی‌ندارد ؟

(گفته شد خیر)

(ماده سوم‌بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده سوم - شورای دولتی بسه شعبه منشعب میشود :

اول - شعبه قوانین که مرکب است از یك‌رئیس وپنج مشاور دائم وپنج‌مشاور فوق‌العاده .

دوم - شعبهٔ امتیازات وامور اداریکه مرکب است ازیك‌رئیس وچهارمشاوردائم‌و چهاور مشاورفوق‌العاده .

۳ - شعبهٔ تظلمات که مرکب است ازیك‌رئیس و شش مشاور دائم وسه مشاور فوق‌العاده .

رئیس - ایرادی نیست ؟

(مخالفی نبود وماده چهارم بترتیب ذیل خوانده‌شد)

ماده چهارم - ریاست شعبه قوانین و ریاست مجمع عمومی شورای دولتی‌بعهده رئیس کل وریاست هریك ازدوشعبهٔ دیگر بعهده رئیس آن‌شعبه خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - ریاست شعبه قوانین وریاست‌مجمع عمومی شورای‌دولتی بعهده رئیس کل وریاست هریك از دو شعبهٔ دیگر بعهده رئیس آن شعبه خواهد بود . ازاین عبارت چیزی مفهوم نمی‌شود مگر اینکه ریاست بعهده رئیس است در صورتی که ریاست بعهدهٔ وظیفه‌رئیس است واین عبارت‌طوری‌نوشته‌شده‌مثل‌آنکه‌ممکن است ریاست باغیررئیس هم باشد خوبست آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود از ذکر این‌عبارت چه‌بوده تامعلوم‌شود؟

مخبر - اشکال آقای آقاسیدیعقوب بعقیدهٔ بنده توجه بلفظ این ماده دارد . مقصود اینکه شورای دولتی سه شعبه دارد .

شعبه قوانین . شعبه تظلمات ، شعبهٔ امتیازات : ویك‌مجمع عمومی‌که‌تمام‌آنها جمع می‌شوندریاست مجمع عمومی بارئیس کل است وریاست شعبهٔ‌قوانین هم باهمین رئیس کل است‌باقی‌می‌ماند دوشعبهٔ‌دیگر . یکی شعبه تظلمات ویکی‌شعبه‌امتیازات آنها هر کدام‌یك‌رئیس‌خاصی‌خواهندداشت

حالااگر عبارت طور دیگربنظرشما میرسد بفرمائید تااصلاح شود..

رئیس- آقای‌نصرت‌الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - عرضی ندارم و موافقم .

(جمعی گفتندمذاکرات‌کافی‌است)

(ماده پنجم بشرح ذیل قرائت گردید)

ماده پنجم- همه ساله دربرج حوت سه نفر از مشاورین دائم شعبه تظلمات

وسه نفر مشاور فوق‌العاده آن بموجب فرمان همایونی بااعضاء دوشعبه دیگر تبدیل خواهند یافت .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال بکنم که تغییر و تبدیل اعضاء را چطور معین میکنند آیا انتخاب و تغییرش بحکم قرعه است یا بسته بنظر رئیس کل است ؟

البته تمام اعضاء باید دارای فرمان باشند ولی این طور که اینجا نوشته شده (بموجب فرمان تبدیل خواهند یافت) بنظر بنده خیلی مجمل است و معنیش این است که بنظر اعلیحضرت تغییر میکند فرمان چه اثری در تغییر و تبدیل دارد آیا در هنگامی که اعضاء معین و تقسیم میشوند بسه شعبه هریك از این شعب فرمان مخصوصی دارد و این فرمان از برای همان شعبه مخصوصی است که یا بعد از آنکه انتخاب و هر یك برای بستی معین شدند به آنها فرمان داده میشود؟ اگر فرمان مطابق سمتی که دارند صادر میشود

تغییر و تبدیل بموجب فرمان خواهد بود یعنی چه؟ و آیا تغییر آنها باقرعه است یا بنظر رئیس کل یا بطور مشاوره و اخذ آراء و در هر صورت نظر کمیسیون از این ماده مفهوم نمیشود و خوبست توضیح بدهند تا مطلب روشن شود

رئیس - آقای نصرت‌الدوله (اجازه)

نصرت‌الدوله - درموقع نصب مشاورین دائم فرمان وقتی صادر میشود که محل وسمت آنها معین شده باشد وهمان طوریست که آقای شیخ اسدالله تصور فرموده اند اول یك عدهٔ هیجده نفری رابسمت عضو شورای دولتی انتخاب و بعد تقسیم مینمایند نه اینکه وقتی آنها را انتخاب مینمایند برای عضویت شعبه مخصوص انتخاب نمایند و در موقعی هم که تغییر و تبدیل یك قسمت از آن ها پیش بینی میشود آن تغییر هم باهمان وسیله که نصب شده‌اند پیش میآید و آقای حاج شیخ اسدالله باید بخاطر بیاورند که اصل مقصود ازاین مسئله که پیش بینی شده اینست که نخواسته‌اند شعبهٔ که محکمه است و رسیدگی و قضاوت در امور مردم میکند همیشه دائم بماند برای اینکه ازدائم ماندن آنها ممکن است تولید زحماتی برای مردم بشود بنابراین پیش بینی شده است که همه ساله سه نفر از مشاورین دائم و سه نفر از مشاورین فوق‌العاده شعبه تظلمات بااعضاء دوشعبه دیگر تبدیل خواهند یافت ونظر پیشنهادکنندگان هم این بوده است که این مسئله درابتداء امر بپیشنهاد رئیس کل باشد وبهمین نظر تصریح نکردند واگر در نظر گرفته شده بود که انتخاب اعضاء برای شعب بحکم قرعه باشد البته لازم بود تصریح بکنند ولی چون پیشنهاد کردن این قضایا بارئیس کل است باین ملاحظه رئیس کل پیشنهاد میکند که بعد ازاینکه مرحله اولی راطی کرد سایر اعضاء همینطور بترتیب هر کدام نوبتشان میرسد و تغییر مینمایند و فرمان صادر خواهد شد ولی نظر نویسندگان این قانون این بوده است که در مرحله اولی بنظر رئیس کل است ونخواسته‌اند قرعه را در اینجا دخالت بدهند

رئیس - آقای آقاسید فاضل (اجازه)

آقاسید فاضل - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - آن نظری را که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمودند راجع بصدور فرمان از برای اعضاء دائم در هر شعبه مخصوص دراین قانون پیش بینی نشده ودرصورتی هم که پیش بینی شده بود بیمورد بود زیرا همینقدر که هیجده نفر از برای اعضای این کار معین شد آن وقت فرمان صادر میشود و این فرمان فقط فرمان عضویت است نه اینکه سمتش راهم در آن سه شعبه فرمان معین کند و آن سمت هم باید تخصصی در فرمان داشته باشد و اگر این نظر را دارند بنده مخالفم درحالیکه همچو پیش بینی در اینجا نشده است و بنده هم حالا دراین قسمت داخل نمیشوم ولی آن نظری را که فرمودند البته چون شعبه تظلمات یك هیئت قضائی است و محکمه است باید دائمی نباشد وهمانطور که محاکم قضائی عمومی خودمان در سال تغییر میکند این هم باید تغییر بکند و البته محکمه نباید ثابت بماند اما می خواستم بدانم طرز تغییرش چطور است ؟ آیا تمام مشاورین جمع می شوند ؟ بامشاوره همدیگر تصمیم اکثریت تغییری دراعضاء داده میشود؟ یا بنظر رئیس کل خواهد بود ، اگر بنظر رئیس کل باشد باز بنده مخالفم درصورتیکه این نظر راهم درقانون پیش بینی نکرده وفقط نوشته‌اند بموجب فرمان هرسال تغییر میکنند یعنی چه ؟ بنده این را نفهمیدم واگر این نظر را هم کمیسیون میداشت باید تصریح کرده باشد که پیش نهاد رئیس کل وبموجب فرمان تغییر میکند ودراین صورت هم بازبنده مخالف بودم و عقیده بنده این است که هر سال در موقع تغییر باید یك جلسه عمومی تشکیل بشود ودرآن جلسه عمومی بامشاوره و با اکثریت آراء عده را تغییر و تبدیل بدهند وهر عضوی را که باید برای محکمه قضائی تعیین بکنند تعیین نمایند ودرقانون هم قید بشود که تغییر وتبدیل منوط با کثریت آراء هیئت مشاورین خواهد بود این است عقیده بنده و اگر آقای مخبر قبول بکنند برای شور ثانی این ماده اصلاح شود وپیشنهادی هم نمیکنم که طبع نموده بین آقایان نمایندگان توزیع کنند وبالاخره هم دوراً افتاده شود وضرری هم بمطبعه مجلس وارد بیاید

مخبر - متأسفانه قبول کردن بنده درشور اول مؤثر نیست ودر نظامنامه‌ می‌نویسد پیشنهادات مطلقا باید بکمیسیون ارجاع شود

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟

(جمعی از نمایندگان - کافی است)

(ماده ششم را آقای امیر ناصر بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ششم - شورای دولتی دارای دارالانشائی خواهد بود که تشکیل میشود از یك نفر رئیس وسه نفر منشی وبقدر لزوم محرر وثبات وضباط (هریك ازمنشی ها - مخصوص یکی از شعب خواهند بود

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - اینجا بطوری که کمیسیون معین کرده است برای دارالانشاء سه نفر منشی ویك نفر رئیس وبقدر لزوم محرر وثبات وضباط معین خواهد شد . بعقیده بنده خوبست تعداد ثبات وضباط را هم معین کنند نه بطوریکه هرچه دلشان بخواهد معین نمایند واین عبارت هم که در آخر ماده نوشته است (هریك ازمنشی ها مخصوص یکی ازشعب خواهند بود) قدری پیچیده است پیشنهادی هم در این خصوص داریم و تقدیم میکنم

مخبر - بنده تصور میکنم در قانون نشود تعداد ثبات وضباط را معین کرد زیرا کم وزیادی ثبات وضباط بسته بکم وزیادی کار است وبعلاوه موقع مذاکره دراین قسمت هاهم موقعی است که بودجه‌اش بمجلس بیاید آن وقت ممکن است هر نظری دارید بفرمائید

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته است ماده هفتم قرائت شود

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده هفتم - رئیس دارالانشاء در جلسات عمومی ومنشی های شعب در جلسات شعب حضور داشته صورت مجلس جلسات را تحریر خواهند نمود .

رئیس - مخالفی نیست

(گفته شد خیر و ماده هشتم بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده هشتم - رئیس کل ورؤسای شعب ومشاورین دائم و مشاورین فوق‌العاده پس از تصویب هیئت وزراء از طرف رئیس الوزرا بمقام سلطنت پیشنهاد وبموجب فرمان همایونی منصوب خواهند شد

رئیس - آقای سدید الملك

سدید الملك - بنده تصور میکنم ماده بندی‌های این قانون درست نیست ، اگر ماده ششم را که راجع بدارالانشاء و غیره است درذیل ماده هفتم مینوشتند وماده هشتم بجای ماده نهم وماده نهم بجای ماده هشتم بهتر بود پیشنهادی هم دراین خصوص تقدیم کرده‌ام عرض دیگری که دارم این است که دراینجا نوشته شده « رئیس کل و رؤسای شعب ومشاورین دائم ومشاورین فوق‌العاده پس از تصویب هیئت وزراء از طرف رئیس الوزراء بمقام سلطنت پیشنهاد وبموجب فرمان همایونی منصوب خواهند شد وعقیده بنده این است که مشاورین دائم واعضای شعب رؤساء را با کثریت ازبین خودشان انتخاب نمایند وبعد فرمان همایونی صادر شود و اگر آقای مخبر قبول کنند پیشنهادی هم بهمین مضمون میکنم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - عرایض بنده گفته شد

رئیس - آقای نصرت‌الدوله (اجازه)

نصرت‌الدوله - بنده راجع به اظهارات آقای سدید الملك عرض داشتم ولی چون پیشنهاد کرده‌اند در کمیسیون مطالعه میشود

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

پیشنهادی از طرف آقای حاج سید المحققین بشرح ذیل قرائت شده بنده پیشنهاد مینمایم ماده هشتم بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده هشتم - مشاورین دائم ومشاورین فوق‌العاده پس از تصویب هیئت وزراء از طرف رئیس الوزراء بمقام سلطنت پیش نهاد وبموجب فرمان همایونی منصوب خواهند شد وهمچنین رئیس کل ورؤسای شعب موافق تمایل اکثریت اعضاء شورای دولتی از طرف رئیس الوزراء بمقام سلطنت پیشنهاد و به موجب فرمان همایونی تعیین میشوند

حاج سید المحققین

رئیس - ماده نهم مطرح است

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده نهم - منشی هر شعبه بموجب معرفی رئیس دارالانشاء وتصویب رئیس شعبه معین میگردد رئیس دارالانشاء محررین وضباط هارا بمسئولیت خود انتخاب وبخدمت منصوب میکند

رئیس - مخالفی نیست ؟ ماده دهم

(بتفصیل ذیل خوانده شد)

ماده دهم - برای اینکه یك نفر بتواند بسمت مشاوری دائم منصوب شود باید دارای شرایط ذیل باشند

۱ - حداقل سن چهل سال

۲ - تابعیت ایران

۳ - از تاریخ تأسیس حکومت شوروی لااقل دوسال ولو متناوبا مشغول خدمات دولتی بودن

٤ - حائز شدن بیکی از مقامات ذیل و یا مقاماتیکه با آنها هم درجه است ، وزارت فرمانفرمائی ایالات ، سفارت کبری ریاست دیوان عالی ، تمیز : معاون وزارت خانه : حکومت درجه اول وزارت مختاری : چهار سال مشاور فوق‌العاده شورای دولتی

٥ - درمحاکم جزائی برای ارتکاب جنحه ویاجنایت محکوم بمجازات و در محاکم اداری محکوم با انفصال نشدن

٦ - ورشکسته نبودن

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر چنانچه مطابق معمول شرائط را از یك دیگر تفکیك نموده شروطی را که مانع از عضویت میشود علیحده مینوشتند بعقیده بنده بهتر بود در هر صورت اشکالی در این قسمت ندارم ولیکن این وضع و ترتیب انتخاب برای مملکتی خوب است که وزراء و حکامش از روی قانون واستحقاق ترفیع رتبه پیدا کرده و حائز مقامات عالیه وزارت وحکومت شده باشند ولی از آقایان اعضاء کمیسیون انصاف می‌خواهم در این مملکت که سابقه وزارت وحکومتش را همه میدانیم بدون هیچ شرطی ولیاقتی بوده آیا میتوان تصدیق کرد این نوع آقایان عضو شورای دولتی باشند ؟

آخر بکدام لیاقت واستحقاق ومعلومات باین جهت بنظر بنده این طرز خیلی میآید و حالا برای اینکه بکسی بر نخورد اسم اشخاص را نمیبرم ولی بعضی شان اتفاقاً خیلی نا قابل هستند آنوقت اگر ما تصویب کنیم همین نا قابل‌ها این مقام را اشغال کنند هفده هیجده نفر از همان اشخاص بهمان وسائل نفوذ وقدرتی که دارند داخل شور می‌شوند و می‌خواهند برای مملکت قانون بنویسند دراین صورت بقول آقای آقا سید یعقوب آیا بهتر از آن قانونی است که بنده و ایشان می‌نویسیم

فرق نمیکند همه مثل هم هستیم این است که بنده با این شروط مخالف هستم وعقیده ام این است که بایستی این شرایط را حذف نموده وقائل بیك معلومات خاصه شویم تا ازعهدهٔ انجام این وظایف بتوانند بر آیند . البته استخدام ده سال صحیح است ولی نمیتوان تصدیق کرد فقط کسی که حاکم یا والی بوده عضو شورای دولتی باشد

رئیس - آقای رفعت‌الدوله (اجازه)

رفعت‌الدوله - بنده موافقم ولی پیشنهاد می کنم نمایندگان سابق مجلس شورای ملی هم جزو این طبقه باشند زیرا الیق‌تر از این نوع اشخاص هستند که آقای حاجی شیخ اسدالله فرمودند

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت‌الدوله - بنده موافق هستم ولی چون آقای رفعت‌الدوله یك موافقی بودند که جواب آقای حاج شیخ اسدالله را ندادند خودشان هم اشکال جدیدی کردند بنده ناچارم پارهٔ عرایض بکنم

دومسئله از فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله درك می‌شد که آنها را باید ازهم تفکیك کرد یکی اینکه ما دراین قانون چه شرایطی را باید پیش بینی کنیم تا یك اشخاصی لایقی در شورای دولتی که مرکز فنی و تخصص است جمع شوند

قسمت دیگر هم راجع بحسن انتخاب وسوء انتخاب بود آن قسمتیکه راجع بسوء انتخاب بود که بعضی از رئیس الوزراء و وزرای ما در تحت نفوذ واسطه و بعضی وسایل دیگر ممکن است اشخاص را ترجیح بدهند که از حیث لیاقت بر دیگران مرجحیت نداشته باشند این قسمت مورد بحث ما نیست زیرا ما اینجا قانون می نویسیم ودر موقع قانون گذاری باید مطالب اصولی و کلی را در نظر گرفت و بعبارة اخری سعی کرد دولت هائیکه سر کار می آیند این صفات را نداشته باشند واما از حیث ترتیب قانون آقای حاج شیخ اسدالله باید در نظر بگیرند مقصود از تأسیس شورای دولتی چیست شورای دولتی از حیث وضع قوانین وقضایای اداری وبالاخره تظلمات یك محکمهٔ بزرگی است ویك اشخاص متخصص و اهل فنی باید در اینجا جمع شوند وبدین ملاحظه باید یك شرایط خیلی سخت و مشکلی را دراین قانون درنظر گرفت ولی ما قانون از برای این مملکت می‌نویسیم ودر مملکت ما هم بالفعل یك قسمت مهم از تخصص تجربه و عمل است وچنانچه در مواد بعد ملاحظه می‌فرمایند یك قسمت تحصیلات ومعلومات و مراتبی را هم مراعات کرده اند ولی این مرکز شورای دولتی را که برای تنقیح لوایح قانونی وتنظیم وترتیب امور مملکتی تشکیل می‌دهیم باید اعضاء آن از حیث تجربه در امور مملکتی وبا این خصوص امور اداری یك مقامات ومراتب عالی را داشته باشند و این شرایط ٦ گانه که در ذیل ماده دهم نوشته شده بایدبا هم جمع باشند وشاید آقایان تصور فرمایند که هریك از این شرائط تنها کافی است ولی اینطور نیست وبرای اینکه یك نفر بتواند مشاور دائم باشد باید دارای تمام این شرایط باشد اولا لااقل چهل سال داشته باشد تبعهٔ ایران باشد از تاریخ تأسیس حکومت شوروی لا اقل دهسال ولو متناوبا مشغول خدمات دولتی بوده باشد حالا فکر کنید ببینید وقتی سه شرط اولی دریك کسی جمع شد اگر ما مقید بیك قیود دیگری نکنیم آیا برای عضویت یك مرکز قانون گذاری و رسیدگی بتظلمات مردم کافی است ؟

خیر باید درنظر بگیریم که آن شخص یك رتبه‌های بزرك ومقامات عالیتری را هم طی کرده باشد .

باینجهت و ملاحظه درقسمت چهارم قید کرده‌اند با داشتن این سه شرط یکی از مقامات ذیل را هم حائز شده باشد یا وزیر شده باشد یا فرمانفرمای ایالت یا معاونت وزارتخانه یا سفارت کبری یا ریاست دیوان عالی تمیز یا وزارت مختاری وبالاخره چهار سال هم مشاو رفوق‌العاده شورای دولتی بوده باشد زیرا کسیکه چهار سال بسمت مشاوری فوق‌العاده کار کرد یك تجربیاتی کافی پیدا میکند واینکه فرمودید یك اشخاص با یك سابقه‌هائی دارای مقاماتی شده‌اند درصورتی که لیاقت وکاردانی نداشته اند این را هیچ کس تکذیب نمی کند والبته اینطور بوده است ولیکن ازشما می‌پرسم آیا راه دیگری داشتید از برای اینکه اعضای شورای دولتی را مقید کنید باینکه طی مراحل دیگری را کرده باشند منتهی اساس هر قانون منوط به حسن اجرای اواست دلیل ندارد اشخاص نا لایق را انتخاب نمایند .

اشخاصی را انتخاب کنند که لایق باشند واما راجع بپیشنهادیکه آقای رفعت‌الدوله کردند گرچه درشوردوم ازطرف کمیسیون اظهار عقیده خواهد شد ولی فعلا هم عرض میکنم این را باید درنظر بگیرند که وکالت یك امراداری ومحتاج بکاربرداری نیست وممکن است ملت فقط از نقطهٔ نظر حسن نیت وحسن ظن واعتماد بیك اشخاص آنها را انتخاب کنند در اینصورت فقط وکیل بودن برای عضویت شورای دولتی کافی نیست وباین جهت آنرا قید نکرده‌اند

رئیس - ممکن است بقیه مذاکرات بماند برای بعد از تنفس

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس ازنیمساعت مجددا تشکیل گردید)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تأیید کنم مسئله را که آقای رفعت‌الدوله پیشنهاد کرده بودند زیرا قانون انتخابات معین کرده است چه اشخاصی را باید وکیل کنند وچه اوصافی داشته باشند حکومت ما هم حکومت شوروی است بنا براین وقتیکه ملت یك کسی را انتخاب کرد ولیاقت پیدا کرد عضویت مجلس شورای ملی وقوهٔ مقننه را داشته باشد مسلم است بطریق اولی حق دارد عضو شورای دولتی باشد وراجع باینکه فرمودید باید یك تجربیاتی تحصیل کرده باشند عرض میکنم تحصیلات دورهٔ گذشته که معلوم شد چندان فایدهٔ نداشته ومنتج بنتایج سوئی بوده است ولی درصورتی که ملت این حق را باو می‌دهد که بیاید ومقام وکالت را اشغال کند لیاقت او برای عضویت شورای دولتی بیشتر از آن کسانی است که فرمانفرمای ایالات هستند یا چند روزی حکومت پیدا میکنند این بود عرایض بنده که در تأیید پیشنهاد آقای رفعت‌الدوله عرض کردم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چطور ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب - مخالفم

رئیس - آقای رفعت‌الدوله موافقید یا مخالف ؟

رفعت‌الدوله - بنده موافقم ومی خواستم در پیشنهاد خودم توضیح بدهم

رئیس - اگر موافقید بفرمائید ؟

رفعت‌الدوله - همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند بنده هم میخواستم عرض کنم وقتی کسی مبعوث ملت ایران شد لیاقت همه کاررا دارد ولی بنده مقصودم این نبود که بصرف وکالت بتواند عضو شورای دولتی باشد بنده گفتم در آن قسمتیکه سفارت کبری وایالت ووزارت وغیره را نوشته‌اند خوب است نمایندگان مجلس شورای ملی راهم بنویسند خواستم توضیح بدهم که نگویند عقیده

داشتم بدون دارا بودن شرایطی که در آن ماده ذکر شد این مقام را احراز کند .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده برخلاف شورای دولتی نیستم ونه منتها باو موافقم بلکه با تأسیس مجلس سنا هم موافق هستم زیرا هر کدام از این مؤسسات تشکیل بشود اساس حکومت ملی مارا تأیید خواهد کرد ولی بنده می‌بینم در ماده دهم این قانون یکمرتبه دیگر حقوق ملت بدست خودمان پایمال می‌شود

زیرا معنی ندارد مادر اینجا تصریح کنیم هر کس وزارت یا حکومت یا فرمانفرمائی ایالتی را کرد حق عضویت شورای دولتی را دارد چه چیز اورا لایق این مقام کرده است ؟ معلوم نیست !!

درصورتیکه غالب این حکام ووزراء از مستبدین بوده‌اند آن وقت اینها میتوانند برای مملکت قانون وضع کنند مگر در میان ملت اشخاص پیدا نمیشوند که دارای همه قسم معلومات ولیاقت باشند؟

پس چرا ما باید شرط فرمانفرمائی وزارت وحکومت را در اینجا بنمائیم ؟ بعلاوه بنده بر خلاف نظر آقایان آقا سید یعقوب ورفعت‌الدوله هم هستم که ذکر نماینده مجلس شورای ملی بشود و فقط عقیده دارم که لیاقت شرط شود آن وقت هر کس میخواهد باشد وکیل باشد وزیر باشد یا فرمانفرما شده باشد یا نشده باشد فرق نمیکند از هر طبقه باشد وقتی لایق شد باین مقام برسد و اگر لایق نبود نباید پذیرفته شود.

نه اینکه اشغال یك مقامی باعث شود که یك مقام دیگری را هم احراز کنند!! دعواها در سر اشغال مقامات کم است یك دعوای دیگری را هم میخواهیم ایجاد کنیم !!!

این چیز غریبی است بنده مخالف

این ماده هستم وعقیده دارم که کمیسیون تجدید نظری در این ماده بکند و این شرایط را تبدیل بیك شرایط دیگری بنماید وفقط قائل به لیاقت و معلومات شود یکی از شرایط دیگری که در اینجا نوشته شده ورشکسته نبودن است خیلی غریب است تاجر نبوده که ورشکست شده باشد آنوقت عدم قیام واقدام برعلیه حکومت ملی را شرط نکرده‌اند راجع به مستخدمین بدبخت یك شرایط سختی مثلا در خصوص ملبوس وغیره ذکر شده ولی در اینجا تریاکی بودن را هم شرط نکرده اند درصورتیکه شخص تریاکی وقتی باین مقام رسید دیگر بکارش نمیرسد اینستکه بنده بااین شرایط مخالفم وتقاضا میکنم کمیسیون در این ماده تجدید نظری کرده وآنرا اصلاح کنند.

مخبر- بنده درموضوع تریاکی نبودن کاملا موافق هستم ولی محتاج نیست که اینج اضافه شود زیرا در قانون استخدام شرط شده است و یکی از شرایط اینجا ذکر شده اینستکه باید ده سال درادارات دولتی خدمت کرده باشد واما راجع به ورشکسته نبودن این شرط هم نظر بیك ملاحظاتی قید شده است برای اینکه ممکن است یك شخص ده سال مستخدم دولت باشد وبیکی ازاین مقامات هم برسد بعداز خدمت دولت صرفنظر کند ومشغول کسب بشود وبعد درآنوقت ورشکست بشود باین جهت این شرط را قید کردیم و ما نسبت بقیام واقدام برعلیه حکومت ملی و استقلال مملکت بعقیده بنده محتاج نیست که در اینجا ذکر شود زیرا در آینجایك عبارتی دارد و میگوید در محاکم جزائی برای ارتکاب جنحه ویا جنایت محکوم به مجازات نشده باشد و جنایت هم شامل قیام برعلیه حکومت ملی میشود بعلاوه قیام واقدام برعلیه حکومت ملی برخلاف استقلال مملکت بالاترین جنایت است زیرا چنین شخصی از حقوق مدنی محروم می‌شود ومناط باین تقصیرات هم محاکمه است والا بصرف گفتن ولفظ فایده ندارد پس باید تمام اهمیت را توجه کرد باینکه اشخاصیکه مرتکب اینگونه عملیات میشوند جلب بمحکمه شوند و محکمه هم آنها را محاکمه و محکوم نماید والا مادام که محکمه صالحه آنها را محکوم نکرده باشد اینها یك الفاظی است که با مرکب روی اوراق نوشته میشود بعلاوه در این قسمت چون کمیسیون ذکر کلمهٔ جنایت را کافی میدانست باین جهت تصریح باین عبارت نکرد واگر بخواهیم این عبارت هم علاوه شود مانعی ندارد.

رئیس- آقای آقاشیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله- قیام واقدام برضد حکومت ملی کم کم یك زمینی برای قوانین ایران میشود بنده معتقد باین قسمت نیستم وهمانطور که آقای مخبر فرمودند باید در محکمه تعقیب ورسیدگی شود و اساساً هم معتقدم باینکه اعضای شورای دولتی باید دارای دو جنبه باشند یعنی دارای جنبه علمی و عملی هردو باشند زیرا جنبه علمی تنها کافی نیست وعمل هم لازم است وباید اشخاصی باشند که بصیرت بوضعیات مملکت داشته باشند و قوانین را که تحت نظر درمی آورند باید با مقتضیات محلی و معلومات که دارا هستند تطبیق نموده و آنها را وضع نمایند پس برای رسیدن به آن مقامات باید دارای معلومات زیادی باشد وهیچ یك از آقایان نمایندگان منکر این مطالب نیستند ولی تصریح باین جمله ای که در این قانون نوشته شده است ازقبیل والی، حاکم درجه اول وزیر با یك الفاظ خیلی قشنگی بنده نمیدانم مقصود چیست زیرا اگر یك نفر ده سال مرتباً درادارات دولتی خدمت کرده باشد ویك اطلاعات عملی را هم دارا باشد ولی وسائلی که دراین مملکت برای رسیدن بمقام وزارت و حکومت معمول است دارا نباشد آیا استحقاق او از بین میرود یا این که برمعلومات اشخاصی که بآن وسایل که همه میدانید حائز این مقامات شده‌اند افزوده میشود بنده که تصور نمیکنم این مقامات معلومات را زیاد کند این است که بنده این الفاظ را زیاد میدانم ومعتقدهستم امتیازات فضلی که همیشه حضرت والاشاهزادهٔ سلیمان میرزا اظهار میکنند در اینجا ذکر شود تا امتیازات فضلی با جنبهٔ عمل توأم گردد.

اما اگر مقصود اینست اشخاصیکه برای عضویت شورای دولتی انتخاب میشوند علاوه برجنبه علم وعمل یك مبرزیت وشاخصیت هم درانظار عامه داشته باشند آن وقت بنده نظریات آقای آقا سید یعقوب را تعقیب میکنم ومیگویم یك نماینده که دوسال در ادارات دولتی خدمت کرده ومعلومات عملی هم داشته باشد وبعلاوه محل توجه ملت هم بوده واثبات شده است بچه جهت او باید محروم باشد باید اوهم دراین ردیف نوشته شود واگر آن حمل مرتب را ازاین قانون حذف کردند ونوشتن نمایندگان هم لزومی ندارد و بنده مثل بعضی از آقایان معتقد نیستم که یك نفر نماینده که محل توجه اکثریت یك حوزه انتخابیه شده لیاقت همه کاررا دارد خیر لیاقت همه کار را ندارد آهنگری بلد نیست فقط در قانون مینویسد که سواد فارسی او باید کامل باشد اما اگر معلومات او کافی شد وده سال هم درادارات دولتی خدمت کرد ویك اطلاعات عملی پیدا کرد ومحل توجه ملت هم واقع شد نباید اورا محروم کرد واشخاص دیگری که بوسایل مختلفه والی می‌شوند به عضویت شورای دولتی نائل شوند بنده با این اصل مخالفم وباید اگر نمایندگان را محروم میکنند آنها را هم محروم کنند والا به نمایندگان هم باید این حق را داد.

(جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

(ده فقره پیشنهاد بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که درماده ۱۰ حداقل معلومات مشاورین تشخیص داده شود. (شیخ‌الاسلام اصفهانی)

بنده پیشنهاد می کنم در فقرهٔ چهارم ماده دهم پس ازلفظ خدمات دولتی افزوده شود.

یا درعضویت‌های یکی ازهیئات رسمی ملی مانند مجلس شورای ملی یاانجمن ولایتی وایالتی وبلدی بودن.

ابراهیم زنجانی

بنده پیشنهاد میکنم که در مادهٔ دهم درشرائط انتخاب مشاور دائم نمایندگان سابق مجلس شورای ملی هم ضمیمه شود که ازآنها هم دولت می‌تواند درموقع انتخاب منتخب نماید (رفعت‌الدوله)

بنده پیشنهاد میکنم کسانیکه سه دوره یا لااقل دودوره نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده‌دار بوده‌اند میشود ازمشاورین دائم باشند. سیدفاضل کاشانی

پیشنهاد می کنم بجای شرائط نوشته شود:

لااقل باید بدرجهٔ مشاورین تمیز باشند ازحیث مقام ومعلومات (مدرس)

بنده پیشنهاد میکنم بماده ده قانون شورای دولتی مزید شود.

۷ - قیام نکردن برضد حکومت ملی ومصالح واستقلال مملکت.

۸ - استعمال نکردن افیون.

(کیخسرو)

بنده پیشنهاد مینمایم شرط سیم از ماده دهم بترتیب ذیل اصلاح شود.

ازتاریخ تأسیس حکومت شوروی لااقل شش سال ولومتناوباً در ایام وجود مجلس شورای ملی مشغول خدمات دولتی بودن. (حاج سیدالمحققین)

بنده پیشنهاد میکنم هر فردی که به مقام نمایندگی منتخب شده‌همان مقام نمایندگی کافی است برای عضویت مشاوره دائم شورای دولتی. یعقوب الموسوی

بنده پیشنهاد میکنم حداکثر سن معین شود. (عبدالوهاب الرضوی)

بنده پیشنهاد میکنم درماده دهم خدمات دولتی را پنج سال درزمان حکومت قرار دهند والا. دولت آبادی

رئیس - ماده یازدهم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱- درمورد اشخاصیکه تصدیق نامه رسمی اتمام تحصیلات عالیه خود را ازدارالعلمهای حقوق دارا باشند مدت خدمت مذکور درماده قبل بهفت سال تخفیف داده می‌شود.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا.

(اجازه)

محمدولی میرزا - دراین ماده مینویسد اشخاصیکه تصدیق نامه رسمی اتمام تحصیلات عالیه خودرا ازدارالعلمهای حقوق دارا باشند مدت خدمت مذکور درماده قبل به هفت سال تخفیف داده میشود بنده معتقد هستم که دراینجا تصدیق نامه شعبات فنی دیگررا نیز قید کنند مثلا اگر یك تصدیق‌نامه مدرسه عالیه مهندسی را دارا باشد ضرر ندارد همان طور که اشخاص دیپلمهٔ مدرسه حقوق رعایت شده‌اند نسبت بآنها هم این رعایت شود: ویك پیشنهادی هم کرده‌ام.

مخبر - دریکی ازمواد بعد نوشته شده است که شورای دولتی هر موقع احتیاج داشته باشد کسب اطلاع ازمتخصصین بنماید می‌تواند آنها را دعوت نموده ازاطلاعات آنها استفاده نماید بعلاوه دارالعلم حقوق هم تحصیلاتش منحصر بشعبه حقوق نیست وخیلی چیزهای دیگر ازقبیل علوم مالیه وغیره هم درآنجا تدریس می‌شود.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

(پیشنهادی ازطرف آقای محمد ولی میرزا بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده مادهٔ ۱۱ رابطریق ذیل پیشنهاد می کنم.

اشخاصیکه تصدیق‌نامه رسمی اتمام تحصیلات خودرا ازمدارس عالیه داشته باشند مدت خدمت مذکور درماده ده به چهارسال تخفیف داده می‌شود. محمدولی میرزا

رئیس - ماده دوازدهم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - ریاست کل وریاست شعبه ومشاوری دائم باتمام مشاغل دولتی و یا اجتماعی انتصابی ویا انتخابی وهمچنین با عضویت مجلس شورای ملی و مجلس سنا منافی است وهریك ازاشخاص مذکور بیکی ازمشاغل مندرجه دراین ماده منصوب و یا منتخب شوند ازعضویت شورای دولتی خارج خواهند شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

(اجازه)

آقا سید یعقوب- بنده خواستم آقای مخبر توضیح بدهند اینکه دراین ماده نوشته شده است ریاست کل وریاست شعبه و مشاوری دائم با تمام مشاغل دولتی و یا اجتماعی انتصابی ویا انتخابی یعنی چه؟ این قسمت را خواستم توضیح بدهند.

مخبر - این عبارت لف و نشر است مشاغل دولتی و یا اجتماعی انتصابی و انتخابی یعنی مشاغل دولتی انتصابی ومشاغل اجتماعی انتخابی.

رئیس - ماده سیزده

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - مشاورین دائم نمی‌توانند بخدمات دولتی منصوب بشوند مگر برضایت خودشان وآنهم لااقل پس از سه سال خدمت درشورای دولتی این قبیل انتصابات نباید درعرض سال ازرؤس عدهٔ مشاورین دائم تجاوز نماید.

رئیس- آقای آقا سیدفاضل

(اجازه)

آقاسیدفاضل - بنده سلب آزادی اعضاء شورارا قدری بر خلاف آزادی می دانم بجهت اینکه دراین ماده میگوید اگر مشاورین دائم بخواهند شغل دولتی قبول کنند قبل از ۳ سال عضویت نمیتوانند وبه عقیده بنده مقید کردن اشخاص فلسفه ندارد وبنده تصور میکنم باید اعضاء را آزاد گذاشت که هروقت خواستند بتوانند شغل دولتی قبول کنند منتهی بایداز عضویت شورای دولتی استعفا دهند.

مخبر - یکی ازموادی که دراینلایحه خیلی قابل ملاحظه ودقت است همین ماده است اولا تصدیق می‌فرمائید یك اشخاصی درشورای دولتی منتخب خواهند شد که نزدیك بوزارت یا اینکه درعرض وزراء باشند باین جهت ممکن است عضویت شورای دولتی وسیله شود برای رسیدن بمقام بالا تری ومستلزم باشد که وارد درآنجا بشوند وپس از چندی از آنجا استعفا بدهند وفرمان فرما یاوزیر بشوند باینجهت عضویت شورای دولتی ممکن است یك وسیله برای نیل به مقامات دیگر بشود وبعلاوه این ترتیب باعث اختلال امور داخلی می‌شود ممکن است یك عده بیایند داخل در عضویت شورای دولتی شده وبعد برای احراز مقام وزارت یاایالات استعفا بدهند.

نظر آقایان هست که درهمین مجلس بملاحظه همین پیش آمدها یکطرح قانونی مطرح شد که نمایندگان حق ندارند در دورهٔ وکالتشان شغل دولتی قبول نمایند. بنابراین ملاحظه دراینجا هم قید شد در هر ۳ سال یك مرتبه برضایت خودشان میتوانند تغییر شغل بدهند ودرآن وقت هم بیشتر از یك رؤس مشاورین حق ندارند خارج شوند و اینکه آقای آقا سیدفاضل فرمودند باید آزاد باشند چون ایشان جنبه فقاهتی دارند و بنده بگوشم خورده است که گفته اند که الایجاب باالاختیار لاینافی الاختیار چیزی است که انسان خودش اختیار میکند مجبورش که نمیکند.

(یك نفر ازنمایندگان الایجاب نیست)

تدین - الامتناع باشد چه فرق می کند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده موافق هستم.

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است).

رئیس ماده چهاردهم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده چهاردهم- برای اینکه یك نفر بتواند بسمت مشاوری فوق العاده معین گردد باید دارای شرائط ذیل باشد.

۱ حداقل سن ۳۶ سال

۲ وارد بودن دریکی ازادارات دولتی لااقل بسمت ریاست اداره ویاشغل دیگری که همرتبهٔ آن باشد.

(مخالفی نبود وپیشنهاد آقای زنجانی بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده چهاردهم ویانزدهم شورای دولتی یکی شده وبترتیب ذیل نوشته شود

مشاورین فوق العاده فقط ازاشخاصی می‌شوند که دارای شغل ریاست اداره یاشغلی مساوی آن یابالاتراز آن بوده و سن ایشان کمتر از ۳۵ سال نباشد

(ابراهیم زنجانی)

رئیس - چون ظهر است جلسه ختم می شود جلسه آتیه پس فردا موضوع مذاکرات اولا لایحه کبریت سازی مازندران وتهران واگر وقت بود لایحه شورای دولتی.

آقای اقبال السلطان
(اجازه)

اقبال السلطان. لایحه تاسیس اداره خزانه داری کل طبع و توزیع شده است اگر آقایان صلاح بدانند جزء دستور جلسه آتیه شود.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله. در چند جلسه قبل گفته شد که پیشنهاد راجع بروشنائی مقابر ائمه ع تقدیم هیئت رئیسه شده است حالا نمی‌دانم تقدیم شده است یانه در صورتیکه تقدیم شده است چون آخر سال است خوب است جزو دستور شود.

رئیس - هنوز از کمیسیون برنگشته است. لایحه راجع بخزانه داری هم همین طور.

آقای آقاسیدیعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم به عرض مجلس برسانم موقعی که در کمیسیون فواید عامه بودیم یك لایحه از آنجا گذشت راجع بامتیاز نمك و گوگرد جزایر خلیج فارس وطبع و توزیع هم شده است وراپرت آنهم بهیئت رئیسه تقدیم شده است اگر مجلس تصویب کند جزو دستور جلسه آتیه شود.

رئیس. مخالفی نیست گفته شد خیر.

رئیس - درعوض لایحه شورای دولتی ممکن است لایحه امتیاز گوگرد ونمك جزء دستور گذارده شود.

آقای ارباب کیخسرو.
(اجازه)

ارباب کیخسرو. درتعقیب اظهاراتی که آقای اقبال السلطان راجع بلایحه خزانه داری فرمودند وآقای رئیس هم فرمودند از کمیسیون برنگشته است جای اینست که خواهش کنم کمیسیون آنرا زودتر نظر کند وبمجلس بفرستد. زیرا این مستشارهائی که اینجا آمده‌اند باید کار بکنند. وما باید حساب کنیم وببینیم وجود آنها چقدر برای ما تمام می‌شود. ومخصوصا پیشنهادهائیکه آنها می‌دهند برای اینکه موجب تعطیل کار آنها نشود خوبست زود ترانجام دهند که آنها سرگردان و معطل نمانند.

رئیس. آقای تدین
(اجازه)

تدین. بنده تصور می کنم مقصود آقای آقا سیدیعقوب این نبود که لایحه گوگرد ونمك قائم مقام لایحه شورای دولتی بشود بلکه مقصودشان این بود که آنهم جزو دستور بشود وبنده پیشنهاد میکنم هردو جزو دستور باشد

رئیس- هردو جزو دستور می‌شود و اگر وقتی بود رسیدگی می‌شود.

مجلس موقع ظهر ختم شد

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۲۲۱

صورت مشروح مجلس یوم سه‌شنبه ۱۷ دلو ۱۳۰۱ مطابق نوزدهم جمادالثانیه ۱۳۴۱

(مجلس تقریباً دوساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یکشنبه پانزدهم دلو را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس- آقای حائری‌زاده
(اجازه)

حائری‌زاده- جزء اسامی غائبین بی اجازه باز اسم آقای عمادالسلطنه را نوشته‌اند ومن میترسم این مسئله کم کم در مجلس سابقه بدی بشود زیرا ایشان مدتی است داخل درخدمات دولتی هستند ونوشتن ایشان را جزء غائبین بی اجازه چیز ناصحیحی است ازمقام ریاست استدعا میکنم مقرر فرمایند بعدها اسم ایشان را ننویسند و این مسئله سابقه شود

رئیس- آقای محمد ولی میرزا
(اجازه)

محمد ولی میرزا- بنده درصورت جلسه عرضی ندارم

رئیس- آقای آقاسیدیعقوب
(اجازه)

آقاسیدیعقوب- بنده در سه جای صورت جلسه عرض داشتم یکی اینکه در صورت جلسه نوشته شده است بنده عرض کرده‌ام احتیاج شدید بوجود شورای دولتی نداریم درصورتی که لفظ شدید رابنده عرض نکردم یکی هم اینکه یك پیشنهادی در